

## موضوع ۱

### مرور کلی موضوع

اگر قصد دارید انجیل را با دیگران در میان گذارید، باید اول درک روشنی از پیام آن داشته باشید. انجیل چیست؟ عناصر اساسی آن کدامند؟ بعد از آنکه پیام را فهمیدیم، باید به افرادی که می‌خواهیم انجیل را با آنها در میان گذاریم نیز بدقت بیندیشیم. چطور می‌توانیم ضروریات انجیل را بطور موثری به آنها معرفی کنیم به طریقی که بتوانند آنرا درک و واکنش مثبت نشان دهند؟

در این مطلب ما

- حقایق اساسی انجیل را کشف می‌کنیم.
- طرق گوناگون معرفی پیام انجیل را مورد بررسی قرار می‌دهیم.
- روشی را برای در میان گذاشتن ایمان خود برمی‌گزینیم که برای هر کدام از ما از سایر روشها راحتتر است.
- جمع‌بندی پیام انجیل در یک دقیقه را تمرین می‌کنیم.

### هدفم موضوع

انجیل چیست؟ عناصر اساسی آن کدامند؟ چطور می‌توانیم حقایق اساسی انجیل را بگونه‌ای معرفی کنیم که مردم آنرا درک نمایند؟ اگر یک دقیقه وقت داشتید ایمان خود را برای دیگری توضیح دهید، چه می‌گفتید؟

### کوچک ولی مقوی

(بیاناتی هستند که شما را در رابطه با مطلب به فکر وا خواهند داشت. این بیانات ممکن است در چارچوب تفکر کتابمقدس بگنجد و یا نگنجد.)

«هرگز بخود زحمت حفظ کردن پیام انجیل را ندادهم. ایمان دارم خداوند در وقت مناسب کلمات را به من عطا خواهد کرد.»

«برای ایمانداران دانستن چگونگی معرفی انجیل به طریقی که برای مردم قابل درک باشد به اندازه درک خود پیام انجیل حائز اهمیت است.»

«قالب‌بندی حقیقت انجیل با استفاده از مفاهیم و معادلاتی که در کتاب مقدس وجود ندارند پیام انجیل را تحریف کرده و روشن است که منطبق با تعالیم کتاب نمی‌باشد.»

«روشهای متعددی برای معرفی انجیل وجود داشته و مردم باید روشی را برگزینند که برای آنها مناسبتر است.»

## نمونه جهت مطالعه

### ژاله

در حالی که روز به انتها می‌رسید، در دفتر کار بحث مذهب پیش کشیده شد. ژاله در سکوت برای فراهم آمدن فرصتی که بتواند در مورد ایمان خود به مسیح با همکارانش گفتگو کند دعا می‌کرد. هنگامی که ساعت دیواری پایان وقت اداری را اعلام کرد، همه در حالی که سر راه خود برای بیرون رفتن از در کیف‌های دستی و کامپیوترها را می‌قاپیدند پراکنده شدند. درست در همین موقع کیانا خود را به ژاله رساند. او به ژاله گفت که اخیراً چقدر زندگی دشوار داشته و از او پرسید چطور او همیشه آرام و باثبات بنظر می‌رسد. آیا این بدلیل اعتقادات مذهبی اوست؟ بالاخره فرصت مناسب برای در میان گذاشتن انجیل فرا رسیده بود. ژاله چطور می‌توانست ایمان خود به عیسی مسیح را آنقدر خلاصه و شفاف توضیح دهد که کیانا بتواند آنرا درک و واکنش مناسب نشان دهد؟ اگر شما بجای ژاله بودید، به کیانا چه پاسخی می‌دادید؟

پرسش یا موضوع اصلی پیش روی شما چیست؟

## مطالعه کتاب مقدس

### رومیان ۳: ۹-۱۸

«پس چه گوییم؟ آیا برتری داریم؟ نه به هیچ وجه! زیرا پیش ادعا وارد آوردیم که یهود و یونانیان هر دو به گناه گرفتارند.<sup>۹</sup> چنانکه مکتوب است که «کسی عادل نیست، یکی هم نی. <sup>۱۱</sup> کسی فهیم نیست، کسی طالب خدا نیست. <sup>۱۲</sup> همه گمراه و جمیع باطل گردیده‌اند. نیکوکاری نیست یکی هم نی. <sup>۱۳</sup> گلوی ایشان گور گشاده است و به زبانهای خود فریب می‌دهند. زهر مار در زیر لب ایشان است، <sup>۱۴</sup> و دهان ایشان پر از لعنت و تلخی است. <sup>۱۵</sup> پایهای ایشان برای خون ریختن شتابان است. <sup>۱۶</sup> هلاکت و پریشانی در طریقه‌های ایشان است، <sup>۱۷</sup> و طریق سلامتی را ندانسته‌اند. <sup>۱۸</sup> خدا ترسی در چشمانشان نیست.»

### رومیان ۳: ۲۳

«زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند.»

### رومیان ۵: ۸

«لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می‌کند از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد.»

### رومیان ۶: ۲۳

«زیرا که مزد گناه موت است، اما نعمت خدا حیات جاودانی در خداوند ما عیسی مسیح.»

پولس هرگز ایمانداران روم را ندیده بود، اما نامه می‌نویسد تا به آنان انجیلی را که بدان معتقدند یادآوری نماید. در رومیان ۳، پولس با معرفی جهان شمول بودن گناه و نیاز انسان به نجات بخش اول بحث خود را به پایان می‌برد. در بخش بعدی نامه خود، وی نجات از طریق ایمان به مسیح و تاثیر آن بر زندگی ایمانداران را توضیح می‌دهد (آیات سوم و چهارم مربوط به این بخش می‌باشند).

چگونه رومیان ۳: ۹-۱۸ و ۲۳ را در چند کلمه خلاصه می‌کنید؟ پولس در این آیات سعی دارد چه چیزی را نشان دهد؟

چرا درک گناه و بیگانگی از خدا در پیام انجیل دارای اهمیت است؟ چگونه می‌توانید بروشی خلاقانه و قابل درک وضعیت گمشدگی انسانها را شرح دهید؟

چه حقایق مهمی را از رومیان ۵: ۸ و ۶: ۲۳ می‌توان دریافت که به فهم خبر خوش کمک نمایند؟

#### افسیان ۲: ۱-۱۰

«و شما را که در خطایا و گناهان مرده بودید، زنده گردانید،<sup>۲</sup> که در آنها قبل، رفتار می‌کردید برحسب دوره این جهان بر وفق رئیس قدرت هوا یعنی آن روحی که الحال در فرزندان معصیت عمل می‌کند.<sup>۳</sup> که در میان ایشان، همه ما نیز در شهوات جسمانی خود قبل از این زندگی می‌کردیم و هوسهای جسمانی و افکار خود را به عمل می‌آوردیم و طبع فرزندان غضب بودیم، چنانکه دیگران.<sup>۴</sup> لیکن خدا که در رحمانیت، دولتمند است، از حیثیت محبت عظیم خود که با ما نمود،<sup>۵</sup> ما را نیز که در خطایا مرده بودیم با مسیح زنده گردانید، زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید.<sup>۶</sup> و با او برخیزانید و در جایهای آسمانی در مسیح عیسی نشانید.<sup>۷</sup> تا در عالمهای آینده دولت بینهایت فیض خود را به لطفی که بر ما در مسیح عیسی دارد ظاهر سازد.<sup>۸</sup> زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست،<sup>۹</sup> و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند.<sup>۱۰</sup> زیرا که صنعت او هستیم، آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو که خدا قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک نماییم.»

پولس به ایمانداران افسس فیض حیرت‌انگیزی را یادآوری می‌نماید که آنها از قعر گناه و ناامیدی بیرون کشیده و به جایگاه‌های آسمانی بالا برد. او از آنها می‌خواهد در زیبایی و اعجاز فیض خدا و عظمت محبت باورنکردنی او تعمق کنند. پولس همچنین از آنها می‌خواهد درک کنند نجات آنها نتیجه اعمالشان نبوده بلکه بخاطر کاری بوده که خداوند انجام داد.

معنای «فیض» چیست و چطور می‌توانید آنرا به زبانی ساده توضیح دهید؟

در افسسیان ۲ چه اصولی از پیام انجیل را می‌توان یافت؟

### اول قرن‌تین ۱۵: ۱-۵

«الان ای برادران، شما را از انجیلی که به شما بشارت دادم اعلام می‌نمایم که آن را هم پذیرفتید و در آن هم قایم می‌باشید،<sup>۲</sup> و بوسیله آن نیز نجات می‌یابید، به شرطی که آن کلامی را که به شما بشارت دادم، محکم نگاه دارید والا عبث ایمان آوردید.<sup>۳</sup> زیرا که اول به شما سپردم، آنچه نیز یافتم که مسیح برحسب کتب در راه گناهان ما مرد،<sup>۴</sup> و اینکه مدفون شد و در روز سوم برحسب کتب برخاست؛<sup>۵</sup> و اینکه به کینا ظاهر شد و بعد از آن به آن دوازده.»

پولس پس از رسیدگی به مشکلات متعدد کلیسای قرن‌تس، در انتهای نامه خود انجیل را به طریقی که آنها شنیده و باور کرده بودند خلاصه نمود. در کلیسای قرن‌تس در مورد قیام از مردگان، از جمله قیام مسیح اختلاف نظرهایی وجود داشت. بنابراین پولس تعلیم خود را در مورد قیام با تشریح عصاره انجیل آغاز می‌کند.

اصول انجیل که پولس در این آیات به طور اجمالی بیان می‌کند و لازم است در ارائه شما از انجیل منظور گردد کدامند؟

چرا قیام عیسی مسیح از مردگان بخش مهمی از انجیل است؟ قیام چه تاثیر عمیقی بر ایمان شما دارد؟

## دیگر منابع

«روشن ساختن پیام»، به قلم بیل هایبلس و مارک میتلبرگ

فصل یازدهم از کتاب «تبدیل شدن به یک مسیحی واگیردار»، چاپ ۱۹۹۴

«خلاصه کردن انجیل در سی ثانیه» اثر مایکل گرین و آلیستر مک گرت

چکیده‌ای از کتاب «چگونه به سراغ آنها برویم»، چاپ ۱۹۹۵

از کتاب «تبدیل شدن به یک مسیحی واگیردار» به قلم بیل هایپلس و مارک میتلبرگ

آن لحظه به طرزی مانا در حافظه‌ام حک شده است.

لین و من در سفری دریایی بودیم. بعد از آنکه برای شب در لنگرگاه توقف کردیم، با چند نفر از مردم که کمی بعد ما را به قایق خود دعوت کردند تا وقتی را با آنها و چند تن از دوستانشان بگذرانیم، باب گفتگو را گشودیم. ما دعوت آنها را پذیرفته و آن شب سوار قایق تفریحی خود شده و بسوی کرجی بادی آنها براه افتادیم. گروهی بسیار مهمان‌نواز بوده و ما از فرصت آشنایی با آنان خوشحال بودیم. خیلی زود مشخص شد که آنها ایماندار نیستند. اما وقتی در ضمن گفتگو از من پرسیدند برای امرار معاش چه می‌کنم، هیچکدام از شنیدن اینکه شبان کلیسا بودم جا نخوردند. آنها کاملاً صمیمی و راحت بودند و وقت خوبی داشتیم.

درست موقع خداحافظی بود که آن لحظه فرا رسید. لین از نردبان بطرف قایق تفریحی پایین رفته بود و من در میانه‌های راه بودم که یکی از افرادی که ما را دعوت کرده بودند گفت: "بگو ببینم بیل، قبل از آنکه اینجا را ترک کنی می‌توانی به سؤالی پاسخ دهی؟ من همیشه دلم می‌خواسته از یک فرد مسیحی بپرسم مسیحی شدن یعنی چه. امکان دارد تو آنرا برای همه ما توضیح دهی؟" و اما من یک پایم در قایق تفریحی و یک دستم بر روی نرده قایق آنها، بطرف بالا به جماعتی نگاه می‌کردم که نوشابه بدست آنجا ایستاده، منتظر بودند ببینند من چه جوابی می‌دهم. می‌دانستم برای حدود چهل و پنج ثانیه تمام حواسشان متوجه من بود تا معنای مسیحی واقعی شدن را برایشان خلاصه کنم.

## کسب آمادگی

بگذارید از شما سؤال کنم: اگر بجای من بودید چطور جواب می‌دادید؟ آیا آمادگی آن را داشتید که به چنان پرسش مهمی جوابی روشن و کوتاه بدهید؟

اگر جواب شما منفی است، تنها نیستید. چه نوایمان باشید و چه پیر و کهنه‌کار مسیح، اینگونه پرسش‌ها شما را در بوتۀ آزمایش قرار می‌دهد. اتفاقی که اغلب می‌افتد این است که فکرتان از کار می‌افتد، یا در تلاش برای فهمیدن اینکه از کجا باید شروع کرد خود را سردرگم می‌یابید، و در تمام آن لحظه‌ها نمی‌دانید در بهشت هستید یا جهنم.

با اینحال کتاب مقدس به ما هشدار می‌دهد که «پیوسته مستعد باشید تا هر که سبب امیدی را که دارید از شما بپرسد، او را جواب دهید» (اول پطرس ۳: ۱۵). در جای دیگر به ما گفته می‌شود که باید «در فرصت و غیر فرصت مواظب باشی» (دوم تیموتائوس ۴: ۲). و مسیح ما را «نور جهان» خوانده است. همانطور که پیشتر دیدیم این نه تنها متضمن زیستن همانند نمونه‌هایی تابان برای مسیح است، بلکه همچنین در برگرنده بیان روشن پیام او بگونه‌ای میباشد که دیگران قادر به مشاهده حقیقت انجیل شوند.

فکر می‌کنم وقت آن رسیده که همگی ما این فرامین را جدی بگیریم. اینها صرفاً پیشنهادات نیستند، بلکه اوامر الهی بوده، که توسط خود خداوند برای خاطر افراد گمشده‌ای که عمیقاً برای او مهم هستند صادر شده‌اند. و میزانی که ما به آنها اهمیت می‌دهیم بر سرنوشت ابدی مردم دور و بر ما تاثیر مستقیم دارد.

عکس‌العمل این مردم نسبت به پیام به خود آنها و خدایشان مربوط می‌شود. اما وظیفه ماست که پیام را تا آنجا که بتوانیم برای آنان روشن سازیم. پس بگذارید شما را تشویق نمایم که نه تنها مطالب این فصل را خوانده بلکه به آنها عمل نیز بکنید. من قصد دارم معنای انجیل را باز کرده و سپس ایده‌هایی در مورد چگونگی نقل کردن آن برای دیگران ارائه دهم.

## پهار نکته قابل تعمق

هدف این فصل دو چیز است: اول، می‌خواهم مطمئن شوم که خود ما پیام انجیل را درک می‌کنیم. دوم، مایلم اطمینان حاصل کنم که می‌دانیم چطور این پیام را برای مخاطبین خود تشریح نمایم. پس اجازه دهید از خودمان شروع کنیم. می‌خواهیم مختصراً به چهار نکته اولیه که دانستن آنها جهت کسب درکی متین از انجیل ضرورت دارد، نگاهی بیندازیم. این نکات عبارتند از خدا، ما، مسیح و شما. پس از بررسی اینها، طریقی که می‌توان پیام را بطور واضح و موجز با دیگران در میان گذاشت توضیح می‌دهیم.

### خدا

جنبه‌های مختلفی از ماهیت خدا وجود دارند که قابل مطالعه می‌باشند، با این وجود او دارای سه ویژگی شخصیتی است که بطور خاص با بشارت مرتبط هستند. اولین ویژگی این است که او «با

«محبت» است. به خاطر مهربانی خود ما را خلق کرده و مشتاق ارتباط با ماست. حتی با وجود آنکه ما گناهکارانی هستیم که بر علیه او طغیان کرده‌ایم، او همچنان صبورانه محبت خود را نثارمان می‌کند. بسیاری از مردم ترجیح می‌دهند در همین مرحله توقف کنند، اما حرفهای بیشتری برای گفتن وجود دارد. می‌دانید، خداوند «قدوس» نیز هست. این بدان معناست که او مطلقاً پاک بوده، و از هر ناپاکی مبرا است.

این مسئله یک روز بعد از اتمام کار ساخت تالار کنفرانس در ویلو کریک و فرا رسیدن زمان بازرسی نهایی، برای من باز شد. قبل از آنکه نماینده شرکت ساختمانی از راه برسد، یکی از کارکنان ما نورافکنی را نصب و آنرا بر نواحی تاریک سقف، بالای بریدگیهای باریک تاباند. نواقص زیادی که قبلاً قابل رویت نبودند به طرز خیره‌کننده‌ای آشکار شدند.

سپس اعضاء شرکت ساختمانی آمدند. به محض دیدن نورافکن، با تحکم به ما گفتند که نباید ساختمان را به آن طریق بازرسی می‌کردیم. حتی خود را از قراردادی که در آن ذکر شده بود بازرسی نهایی باید در نور معمولی اتاق انجام شود کنار کشیدند.

آن ماجرا برایم همواره تداعی‌کننده قدوسیت خدا و تاثیر آن بر ما بوده است. در نور طبیعی، زندگی‌های ما بسیار خوب بنظر می‌رسند، بدون هیچگونه کاستی یا عیب اخلاقی جدی. اما بعد خداوند آمده و نور فوق‌العاده قدوسیت او بر اعمال، افکار و تمایلات ما می‌تابد. و آنچه نمایان می‌شود چندان زیبا نیست.

این مسئله ما را به جنبه سوم از شخصیت خدا هدایت می‌کند: او عادل است. به عبارت دیگر، او مانند قاضی نیکویی است که نمی‌تواند از نقض قانون چشم‌پوشی کند: در عوض، باید عدالت را اجرا کند. چند سال قبل در اسکاتلند، مردی یکی از اعضاء خانواده خود را به قتل رساند. اما هنگامی که بالاخره زمان محاکمه وی فرا رسید، قاضی تصمیم گرفت که او قبلاً به اندازه کافی خود را مجازات کرده، پس وی را آزاد نمود. لازم نیست خیلی به قوه تخیل خود فشار آوریم تا حدس بزنیم عکس‌العمل عمومی چگونه بود: "چه؟ این عادلانه نیست: ما عدالت را می‌خواهیم! آن قاضی را از آنجا بیرون انداخته، و شخص مناسبی که قانون را اجرا کند جایگزین او کنید."

خوب، خداوند قاضی بی‌عیبی است که منصفانه عدالت را در مورد همه جاری خواهد کرد.

ما

در ابتدا وقتی که خداوند ما را خلق کرد، ما را نیکو آفرید، بدون گناه. اما ما از آزادی خود سوءاستفاده کرده، بر علیه او طغیان نموده و شرور شدیم.

بعلاوه همانطوریکه دیدیم، قدوسیت خدا ما را به خودمان نمایان کرده و عدالتش به گناهی که مرتکب شده‌ایم منصفانه رسیدگی می‌کند. متأسفانه، جدیت گناهان ما سبب می‌شود خداوند برایمان مجازات مرگ را صادر کند. این به معنای هم مرگ جسمانی و هم مرگ روحانی بوده، که ما را از خداوند جدا و در جایی به نام جهنم قرار می‌دهد.

و برای آنکه خبر بد کامل شود، باید بدانیم که ما از انجام هر گونه اقدامی که بتواند وضعیتمان را تغییر دهد عاجزیم. من گاهی آن را تحت عنوان «ورشکستگی اخلاقی» توصیف می‌کنم، یعنی در حساب خود هیچگونه موجودی نداریم که با آن دیون خود را پردازیم. خوشبختانه، این آخر داستان نیست.

### مسیح

عیسی مسیح به شکلی بی‌نظیر توانست معمای غامض ما را حل کند، زیرا او هم خدا و هم انسان بود. به عنوان خدا، توان و اقتدار آن را داشت که طرحی برای نجات ما بریزد. به عنوان انسان، با قرار دادن مجازاتی که ما سزاوار آن بودیم بر خود، قادر بود طرح را به اجرا گذارد.

حقیقت مرکزی انجیل این است که مسیح بعنوان جایگزینی برای ما، بجای ما مرد. او مجازات مرگ را بخاطر ما به جان خرید. با اینکار، او محبت خدا را نمایان، قدوسیت خدا را تایید و عدالت خدا را تحقق بخشید.

او این همه را به این دلیل انجام داد که بتواند شرایط را عوض کرده و بخشش، دوستی و رهبری خود را به عنوان هدیه‌ای به ما عطا نماید. ما لیاقت آنرا نداریم، برای آن بهایی پرداخت نمی‌کنیم و قادر نیستیم خود آنرا کسب کنیم. تنها راهی که می‌توانیم آنرا دریافت کنیم این است که فروتنانه در مقابل او سر خم کرده، خیره‌سری خود را پذیرفته و به پیشنهاد فوق‌العاده او بله بگوییم.

وقتی این کار را بکنیم، کفاره گناهان ما بطور کامل پرداخت شده و وعده حیات جاودان در آسمان را دریافت خواهیم کرد. ما همچنین رفاقت دائمی خود هدیه‌دهنده را کسب می‌نماییم، که هنگام نیاز برای هدایت، راهنمایی و اصلاح مهربانانه ما حضور دارد.

من طرز جمع‌بندی این همه را در سرود ستایشی که در برنامه پرستش خود می‌خوانیم، می‌پسندم:

او قرضی را پرداخت که مدیون نبود

من قرضی دارم که قادر به پرداخت نیستم

به کسی محتاجم که گناهانم را بشوید  
و حال سرودی تازه می‌خوانم  
در تمام ایام فیض حیرت‌انگیز او را می‌سرایم  
عیسی مسیح قرض را پرداخت  
قرضی که هرگز قادر به پرداختش نبودم. (سراینده: ناشناس)

قبل از آنکه به نکته آخر پردازیم، اجازه دهید به دو تا از سؤالاتی که اغلب در مورد نقش مسیح در کسب نجات مطرح می‌شود نگاهی بیندازیم. اول، بعضی از مردم می‌پرسند چرا اصلاً باید بهایی پرداخته شود. "چرا مانند ما، خداوند صرفاً نتوانست بخشیده و از یاد ببرد؟" اما تصور کنید که شما ماشین مدل جدیدی دارید که در مقابل خانه خود پارک کرده‌اید، و همسایه تصادفاً به آن برخورد می‌کند. گرچه قادرید او را بخشیده و از هرگونه مسئولیت مبرا کنید، هنوز یک مشکل باقی می‌ماند: چه کسی هزینه تعمیر تورفتگی را خواهد پرداخت؟ چون شما مسئولیت را از او برداشته‌اید، خود مجبور به پرداخت هزینه تعمیر خواهید بود. به همین ترتیب، ما با ارتکاب گناه بر علیه خدا خسارت ببار آورده‌ایم. و او نیز مایل بود ما را بخشیده و ارتباط ما با خود را تجدید کند. اگر خواهان آن باشیم آنرا بدست می‌آوریم. با این وجود او مجبور بود هزینه خسارت را بپردازد. او صورت حسابی (مجازات مرگ) را در دست داشت که با انسان شدن و مرگ روی صلیب به جای ما آنرا پرداخت. (اعمال ۲۸:۲۰).

سؤال دومی که مردم می‌پرسند این است که چرا «مسیح» مجبور به پرداخت بها بود: "این چه نوع عدالتی است که عیسی، یک ناظر بیگناه، بجای من رنج کشید؟" برخی افراد حتی اینرا را با روش قدیمی «پسر تازیانه‌خور» یعنی سیستم شدیداً ناعادلانه مجازات جانشین که در قرون وسطی کاربرد داشت، مقایسه می‌کنند. وقتی که یکی از اعضاء خانواده سلطنتی قوانین را نقض می‌کرد، معلمین بچه‌جرات نداشتند مستقیماً وی را تنبیه کنند. در عوض، در حضور خاطی پسر برده‌ای را تازیانه می‌زدند. قرار بود که این مسئله در کودک آنقدر احساس بدی ایجاد کند که خود را اصلاح کرده و سربراه شود. واضح است که این روش به طرز شرم‌آوری غیرمنصفانه بوده و به هیچ عنوان عدالت را برقرار نمی‌کرد.

این مورد چگونه با آنچه مسیح انجام داد فرق دارد؟ پاسخ به هویت او مرتبط می‌شود. او آن ناظر بی‌تفاوتی نیست که خداوند به زور وارد صحنه کرد تا مانند پسر تازیانه‌خور مجازات ما را به دوش گیرد. او خود آن خدایی است که ما بر علیه/ش گناه کردیم.

فیلیپیان ۲: ۶-۸ با بیان اینکه مسیح "در صورت خدا"، بود اما اراده او چنین بود که به خاطر ما موقتاً مقام رفیع خود را کنار گذارد، این مسئله را روشن می‌سازد. این آیات می‌فرماید: "لیکن خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد؛ و چون در شکل انسان یافت شد، خویشتن را فروتن ساخت و تا به موت بلکه تا به موت صلیب مطیع گردید." و او به ما می‌گوید: "شما را دوست دارم، من با رضایت مجازاتی را که به عهده شما بود پرداختم، و می‌خواهم شما را ببخشم. آیا به من توکل کرده و مرا پیروی می‌کنید؟"

## شما

اکنون توپ زیر پای شماست، و این به خود شما بستگی دارد که تصمیم بگیرید می‌خواهید با آن چه بکنید. مسیح بهای نجات را برای کل جهان پرداخته است، اما فقط آنانی که به وی پاسخ مثبت دهند بخشش را واقعاً دریافت خواهند کرد.

برای من حیرت‌آور است که علیرغم این که کتاب مقدس تاکید دارد ما باید شخصاً مسیح و هدیه نجات وی را دریافت کنیم، امروزه در بسیاری از کلیساها این فراموش شده‌ترین بخش پیام است. بسیاری از مردم در این ذهنیت بسر می‌برند که اگر به کلیسا بروند یا در خانواده‌ای مسیحی متولد شوند و یا سعی کنند به اخلاق و مذهب پایبند باشند، خودبخود با خدا آشتی می‌کنند. اما این حقیقت ندارد. هر کسی که برای ورود به خانواده خداوند بر تلاشهای شخصی خود تکیه کند نهایتاً بدترین کابوس عالم را تجربه خواهد کرد. به هشدار عیسی مسیح در متی ۷: ۲۱-۲۳ گوش فرا دهید: "نه هرکه مرا "خداوند، خداوند" گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است به جا آورد. بسا در آن روز مرا خواهند گفت: "خداوندا، خداوندا، آیا به نام تو نبوت نمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و به نام تو معجزات بسیار ظاهر نساختمیم؟" آنگاه به ایشان صریح خواهم گفت که "هرگز شما را نشناختم! ای بدکاران از من دور شوید!"

پس برای خاطر آنانی که نیاز دارند پیام را بشنوند، باید در مورد این حقیقت که پاسخگویی شخصی ضرورت دارد ذهنمان کاملاً روشن شود. هر کدام از ما باید شخصاً بخشش و رهبری مسیح را دریافت

نماید. و وقتی که چنین شود، کتاب مقدس به ما اطمینان می‌دهد که روح القدس فوراً در ما ساکن شده و شروع می‌کند به تغییر دادن ما از درون. ما نمی‌توانیم برای دیگران چنین تصمیمی بگیریم و نباید آنها را وادار به تصمیم‌گیری پیش از موعد نمائیم. اما باید مطمئن شویم آنها درک می‌کنند که راه دیگری وجود ندارد. بعلاوه، لازم است برای کمک به آنها جهت برداشتن آن گام در طول مسیر ایمان مهیا باشیم. امیدوارم با مرور این چهار نکته یعنی خدا، ما، مسیح و شما، توانسته باشید تسلط خود بر عناصر بنیادی پیام انجیل را بهبود بخشید. حال می‌خواهیم به موضوع دوم این فصل بپردازیم که به شما ابزارهای عملی ارائه می‌دهد که می‌توانید برای رساندن این پیام به دیگران مورد استفاده قرار دهید.

## تصویرسازی جهت روشن ساختن پیام

تصاویر زیر با استفاده از اشکال و عبارات چهار نکته انجیل را ارائه می‌دهد که به مخاطب شما در درک و بنخاطر سپردن آن کمک خواهد کرد. من تصاویر متعددی را ارائه خواهم داد، بنابراین بر حسب شرایط و فردی که با او گفتگو می‌کنید فرصت خواهید داشت از میان آنها انتخاب کنید. به تصاویری که فکر می‌کنید برای اشخاص موجود در لیست اثرگذاری مناسب هستند توجه ویژه معطوف دارید.

### انجام دهید در مقابل انجام شده

این ساده‌ترین و فشرده‌ترین ابزاری است که برای گفتگو با دیگران در مورد مسیح سراغ دارم. این درست به کند موضوعی وارد می‌شود که بسیاری در درک آن مشکل دارند. مسئله این است، این عنوان اشاره دارد به این سوال که تلاشهای خود ما در دستیابی به نجات خداوند چه نقشی ایفا می‌کند. از آنجایی که این تصویر کلامی بوده، نیازی به هیچ‌گونه راهنمایی یا کمک بصری ندارد، پس انتخاب مناسبی است برای استفاده در محاورات عادی، از جمله گفتگوی تلفنی. این تصویر همچنین برای زمانهایی که می‌دانید مجبورید شفاف و سریع پیغام را برسانید مفید است، مثل هنگامی که روی نردبان، در نیمه راه بین قایق بادبانی و قایق تفریحی هستید، در حالی که رو به بالا به جمعی از افراد کنجکاو نیمه مست می‌نگرید! این همان کاری است که من سعی کردم در آن موقعیت انجام دهم.

اینطور شروع کردم: "خوب، اول باید تفاوت بین مذهب و مسیحیت را متوجه شوید. مذهب با «انجام دهید» هجی می‌شود زیرا در برگیرنده اموری است که مردم انجام می‌دهند، در تلاش برای اینکه به طریقی بخشش و لطف خدا را به چنگ آورند.

اما مشکل این است که هرگز نخواهید دانست چه موقع اعمال کافی انجام داده‌اید. این مانند فروشنده‌ای است که می‌داند باید سهمی فروشی را که هرگز به او گفته نشده چقدر است تحقق بخشد. هیچوقت بطور قطع نخواهید دانست که آیا به اندازه کافی اعمال انجام داده‌اید. بدتر از آن، کتاب مقدس در رومیان ۳: ۲۳ می‌گوید هرگز نخواهیم توانست به اندازه کافی انجام دهیم. همواره از معیار کامل خدا قاصر خواهیم بود.

ادامه دادم: "اما خدا را شکر، مسیحیت بطور متفاوتی هجی می‌شود. هجی آن «انجام شده» است، به این معنا که آنچه خود هرگز قادر به انجامش نبودیم، توسط عیسی مسیح برای ما انجام شده است. او زندگی بی عیبی داشت که ما هرگز قادر به چنان زیستنی نیستیم، و با رغبت بر روی صلیب جان داد تا مجازاتی را که ما بدلیل اعمال غلط خود سزاوارش بودیم بپردازد.

«مسیحی واقعی شدن عبارت است از دریافت فروتنانه هدیه بخشش خدا و تعهد برای پیروی از هدایت او. چنانچه اینکار را انجام دهیم، او ما را در خانواده خود پذیرفته و شروع می‌کند به تغییر دادن ما از درون.»

از داشتن چنان ابزار فشرده‌ای، یعنی تصویر «انجام دهید در مقابل انجام شده» خوشحال بودم. بگذارید شما را نیز به تسلط بر آن تشویق کنم. یاد گرفتن آن آسان بوده، با اینحال به عنوان ابزاری برای کمک به مردم در درک پایه‌های مرکزی ایمان مسیحی، بویژه کمک به کسانی که فکر می‌کنند با خوب بودن می‌توانند وارد آسمان شوند، مفید می‌باشد.

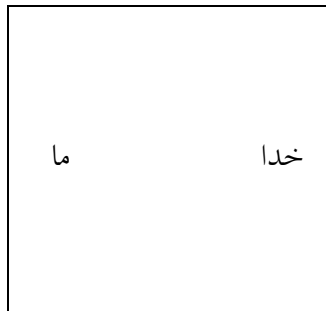
### تصویرسازی پل

این تصویر احتمالاً شناخته شده‌ترین و پر استفاده‌ترین تصویر موجود انجیل است و برای این مسئله دلیل خوبی وجود دارد. تصویر به طریقی ترسیمی به مردم وضع و خیم آنها و راه‌حل خداوند را نشان می‌دهد. بسیاری از کتابچه‌ها و جزوه‌های مربوط به انجیل بر مبنای این تصویر طراحی شده‌اند. ممکن است شما یکی از اینها جزوه‌ها را برای تشریح پیام انجیل مفید بیابید، ولی من ترجیح می‌دهم آنرا با ترسیم بر روی یک تکیه کاغذ شخصی‌تر کنم. حتی اگر تصمیم گرفتید از نسخه چاپ شده استفاده کنید، باز هم به شما پیشنهاد می‌کنم یاد بگیرید چطور آنرا ترسیم کنید، بنابراین همیشه برای استفاده از

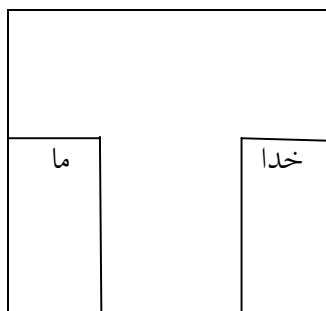
تصویر آمادگی خواهید داشت. و نیز، دقت کنید که اگر تکه کاغذ چاپ شده‌ای از جیب بیرون آورید ممکن است بعضی از مردم خود را عقب بکشند.

پس از شروع یک گفتگوی روحانی، می‌توانید با لحنی خودمانی به شخص بگویید که نمودار مفیدی برای فهم پیام اساسی کتاب مقدس یاد گرفته‌اید، و سپس از او بپرسید آیا علاقمند است آنرا ببیند. مانند من در خواهید یافت که بسیاری از مردم صادقانه ابراز علاقمندی می‌کنند.

من معمولاً با گفتن اینک: "ما برای خداوند مهم هستیم. او ما را خلق کرد، و مایل است با ما ارتباط داشته باشد" و نوشتن «ما» در یک طرف دستمال، یا هر تکه کاغذ دیگری که دم دست باشد، و «خدا» در طرف دیگر، شروع می‌کنم.



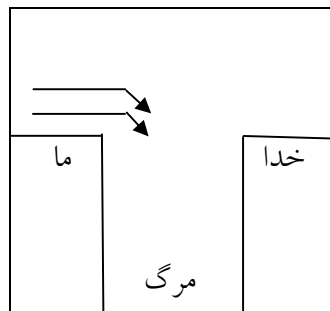
سپس مشکل را توضیح می‌دهم. "ما بر ضد خداوند شوریدیم. چه به اختیار خود و چه تحت تاثیر دیگران، همگی نسبت به او ناطاعتی کردیم. و گناهان ما، ما را از او جدا ساخته، و ارتباط را از هم گسیخت." و بعد در کنار هر حرف خطوطی می‌کشیم بطوری که در اطراف پرتگاهی عظیم دیوارهایی تشکیل می‌شوند که ما را از خدا جدا می‌کنند:



ادامه می‌دهم: "همه ما بدرجات مختلف از فاصله خود با خدا آگاهییم. در مورد خودم این را می‌دانم که آگاه بودم، احتمالاً شما هم همینطور. پس شروع می‌کنیم به انجام هر کاری تا نزد او برگردیم، از قبیل کمک به همسایه، پرداخت مالیات، رفتن به کلیسا و اهدا پول به موسسات خیریه. این کارها هیچ ایرادی ندارند، اما کتاب مقدس بوضوح می‌گوید اینها هیچکدام قادر به کسب بخشش خداوند برای ما یا تجدید بنای ارتباط ما با او نیستند."

سپس یک جفت فلش می‌کشم که از بالای پرتگاه «ما» عبور می‌کنند. اینها علامت تلاش ما برای رسیدن به خداست که همواره بی‌ثمر است. گاهی، من رومیان ۳: ۲۳ را در کنار فلشها می‌نویسم بطوری که فرد می‌تواند منبع کتاب مقدسی گفته‌های مرا ببیند.

سپس می‌افزایم: "بعلاوه، گناهایی که ما مرتکب شده‌ایم مستوجب مجازات بوده، و کیفر آنچه بر عهده ماست مرگ است، که به معنای هم مرگ جسمانی و هم جدایی روحانی ابدی از خدا در جایی به نام جهنم می‌باشد." در اینجا من کلمه «مرگ» و گاهی رومیان ۶: ۲۳ را در ته دره می‌نویسم:

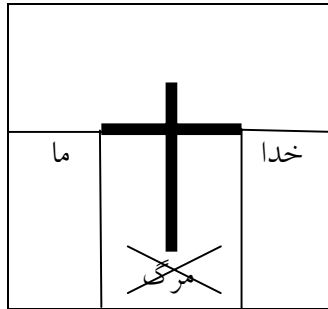


قبول دارم که در این مرحله تصویر کاملاً حزن‌انگیز بنظر می‌رسد. اما بیان این واقعیت که جدای از مسیح تا چه حد وضعیت ما وخیم است ضرورت دارد. مردم احتیاج دارند درک کنند تا چه میزان گمشده‌اند، پیش از آنکه احتمالاً به پیدا شدن علاقمند گردند.

اما من اجازه نمی‌دهم برای مدتی طولانی در آن خبر بد سرگردان شوند. "و اما خبر خوش، همانطور که در ابتدا گفتم، این است که ما برای خدا اهمیت داریم. بواقع، او آنقدر ما را دوست دارد که برای ما کاری را به انجام رساند که خود هرگز قادر به انجامش نبودیم. او پلی فراهم آورد که از طریق آن قادریم به بخشش او دست یافته و ارتباط خود را با وی تجدید کنیم. او این پل را با آمدن بر روی

زمین مانند یکی از ما، و مرگ بر روی صلیب به منظور پرداخت مجازات مرگی که ما سزاوارش بودیم، بنا کرد. این پل چنین تصویری دارد.

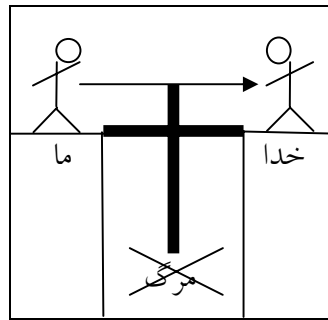
سپس صلیب را طوری می‌کشیم که دو طرف دره را به هم وصل کرده، و گاهی ۱ پطرس ۳: ۱۸ را نیز در کنار صلیب می‌نویسیم:



نتیجه‌گیری می‌کنم: "این تصویری است از پیام اساسی کتاب مقدس. و این آن چیزی است که خداوند انتظار دارد همه ما درک کنیم. اما این کافی نیست که فقط آن را دانسته یا حتی با آن موافق باشیم. ما باید بر اساس آن عمل کنیم. خداوند از ما می‌خواهد که از پل عبور کرده به آن سو برویم.

"ما اینکار را با اعتراف متواضعانه در حضور خداوند به اینکه به ضد وی طغیان کرده و نیازمند بخشش و ارتباط با او هستیم، انجام می‌دهیم. این عمل ساده اعتماد و اطاعت به آمرزش گناهان و پرداخت دیون ما منجر می‌شود. ارتباط محکمی بین ما و خدا برقرار می‌گردد، زیرا بلافاصله به عنوان پسر یا دختر وی در خانواده‌اش پذیرفته می‌شویم."

در حالی که این قسمت را توضیح می‌دهم، آدمکی را در طرف «ما» دره کشیده، و سپس از آن فلشی را از روی پل عبور داده به آدمک دیگر در طرف «خدا» وصل می‌کنم، و گاهی نیز یوحنا ۱: ۱۲ را اضافه می‌کنم:



سپس از دوستانم می‌پرسم آیا تصویر از نظر او منطقی بنظر می‌رسد یا آیا قسمتی از آن هست که مایل باشد در موردش بحث کند. در نهایت از او سؤال می‌کنم بنظر خودش در کجای این تصویر قرار دارد و، اگر بنظر آدم روشنی بیاید، می‌پرسم آیا مایل است از پل عبور کرده مسیح را بخشاینده، رهبر و دوست خود سازد.

اجازه دهید در پراتلز این نکته را اضافه کنم که در این مقطع متداولترین عکس‌العملی که مردم نسبت به هر گونه تصویرسازی از انجیل نشان می‌دهند واکنشی بی‌غل و غش است: "خوب ... من احتیاج دارم کمی در اینباره فکر کنم." ایرادی ندارد. درست همانطور که مسیح در لوقا ۱۴: ۲۸-۳۳ بیان می‌کند، بسیاری از جویندگان برای هضم پیام، سنجش مفاهیم و بررسی بهای آن نیاز به زمان دارند.

گاهی خداوند معجزه کرده و به طرفه‌العینی یک شائلول را به پولس تبدیل می‌کند، اما این یک استثنا است نه قاعده. در سایر موارد، او قبلاً شخص را از طریق تلاشهای فرد دیگر مهیا می‌کند. اما به عنوان یک قانون عمومی مردم برای اندیشیدن به وقت نیاز دارند.

ما باید آنها را آزاد بگذاریم. اگر آنها را تحت فشار قرار داده یا عجولانه عمل کنیم، خود را از فرآیند عقب خواهند کشید. اما اگر به آنها اجازه دهیم با شتاب خود حرکت کنند، قادر خواهیم بود در پیشرفت تدریجی یاریشان کرده، نهایتاً خداوند آنها را به نقطه عبور از پل و اعتماد بر مسیح خواهد رساند.

### مسیر رومیان

این یکی از موثرترین طرق عرضه پیام برای کسانی است که پیام را شنیده اما نیاز دارند خارج از صفحات کتاب مقدس آن را به صورت سیاه و سفید ببینند. این طریق بر اساس سه آیه از کتاب رومیان بنا شده است. توصیه می‌کنم در کتاب مقدس خود زیر این آیات خط بکشید تا بتوانید آنها را براحتی یافته و به دیگران نشان دهید. اولین آیه که لازم است به دوست خود نشان دهید رومیان ۳: ۲۳ است،

«زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند.» من توضیح می‌دهم: «بر اساس این آیه، همه ما در مقابل خدا مرتکب گناه شده‌ایم. این فقط دربردارنده گناهان بزرگ از قبیل تجاوز و قتل نیست بلکه مواردی از قبیل اشتباهات اخلاقی، دروغ، ظلم، بی‌تفاوتی نسبت به دیگران، از کوره دررفتن، تقلب، و خودمحوری را نیز شامل می‌شود. من حاضریم به برخی از اینها اعتراف کنم. شما چطور؟» بسیاری از مردم نیز بدون هیچ زحمتی می‌پذیرند که بعضی از این اعمال را انجام داده‌اند.

سپس به سراغ آیه دوم می‌روم، رومیان ۶: ۲۳ و می‌گذارم آنرا بخوانند، «زیرا که مزد گناه موت است، اما نعمت خدا حیات جاودانی در خداوند ما عیسی مسیح.» و می‌گویم: «مطابق با این آیه، آن اعمال اشتباهی که من و شما به آنها اعتراف کردیم، مجازاتی را برای ما ببار می‌آورند. این مجازات مرگ است.»

سپس به قسمت دوم آیه توجه معطوف داشته و می‌افزایم: «این جا به یک هدیه اشاره می‌شود. خداوند هدیه حیات جاودان را به ما عرضه می‌کند. ما می‌توانیم آزادانه هدیه بخشش خدا و آمرزش مجازات مرگی که مستحقش هستیم، را دریافت نماییم. تاوان در اثر مرگ مسیح بر روی صلیب برای ما پرداخت شده است. و مثل هر هدیه دیگر، ما قادر به کسب آن نبوده فقط می‌توانیم آنرا دریافت کنیم. برای اینکه ببینیم چطور، اجازه دهید به آیه بعدی اشاره کنیم.» و سپس می‌گذارم شخص رومیان ۱۰: ۱۳ را بخواند که می‌گوید: «زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت.»

«می‌بینید چقدر دریافت هدیه خدا آسان است؟ تمام آنچه باید انجام دهیم این است که حقیقت گناهکار بودن خود و استحقاق مجازات مرگ را درک کرده و سپس فروتنانه از خداوند بخشش او و حیات نوینی را که وعده می‌دهد طلب کنیم. این کاری است که من چند سال قبل انجام دادم و مایلم شما را به انجام آن تشویق کنم.»

### تصویرسازی بر اساس توپ بیسبال

این یکی برای ورزش دوستان مناسب است که نیاز دارند متقاعد شوند تلاشهای اخلاقی‌شان هرگز برایشان نجات را به ارمغان نخواهد آورد.

من دعوت به جمع بازیکنان برتر بسکتبال را افتخاری نوین توصیف می‌کنم. آنرا «سالن شهرت سراسر جهان» می‌نامم. اعتبار و پاداش وارد شدن نجومی است. برای ورود فقط سه شرط وجود دارد، که به سادگی قابل درک هستند.

اول، شخص باید حداقل پنج سال پی در پی بدون وقفه بازی کرده باشد. دوم، باید بدون خطا بازی کند. درست است، بدون هرگونه خطا. و سوم، باید ۱۰۰۰ بار ضربه به ثمر رساند. این بدان معناست که باید همیشه بدون شکست ضربه بزند. این سه شرط را بجا آورید، اتوماتیک وار ورود شما به «سالن شهرت سراسر جهان» تضمین می‌شود!

آسان است؟ بله، و البته غیر ممکن. این همان چیزی است که کتاب مقدس در مورد تلاش برای حصول طریق ورود به آسمان می‌گوید. رومیان ۳: ۲۳ آشکار می‌کند که مهم نیست چقدر سخت بکوشیم، همواره از معیار خدا قاصر خواهیم بود. در واقع، یعقوب ۲: ۱۰ می‌فرماید، «زیرا هر که تمام شریعت را نگاه دارد و در یک جزو بلغزد، ملزم همه می‌باشد.»

خدا را سپاس که آنچه خود ما هرگز قادر به انجامش نبودیم، او قبلاً برایمان انجام داده است. عیسی به این جهان آمد، عملاً، بدون خطا بازی کرده و ۱۰۰۰ ضربه به ثمر رساند. مانند ضربه‌زننده جانشین که جایگزینی است برای ما، او زندگی بی‌نقصی را بجای ما زیست و جان داد تا تاوان گناهان ما را بپردازد. و همه آنچه ما باید انجام دهیم این است که او و هدیه‌اش را بپذیریم.

### تصویرسازی بر اساس هواپیما

این تصویر ابزار مفیدی است برای کمک به جستجوگران تن‌پرور و کلیساروهای اسمی تا متوجه شوند که کافی نیست صرفاً نکات درستی را در مورد خدا باور داشته یا در کلیسا حاضر شوند. انجام این امور مانند مطالعه علم هوانوردی و سپس پرسه زدن در فرودگاه‌ها است. شما ممکن است تمامی دانش مربوط به پرواز را آموخته، بدانید کدام خط هوایی از لحاظ امنیت بهترین سابقه را دارد، بهترین هواپیما را برای پرواز انتخاب کنید، به طرف دروازه بروید، و اعتبار نامه‌های خدمه پرواز را مجدداً چک کنید. اما این برای شما هیچ فایده‌ای در بر نخواهد داشت مگر آنکه سوار هواپیما شوید.

دانش به تنهایی شما را به جایی نمی‌رساند. باید بر اساس دانسته‌های خود عمل کنید. مجبورید برای سوار شدن به هواپیما از پله‌ها بالا بروید، با اطمینان به اینکه شما را به مقصد مورد نظرتان خواهد رساند.

به همین ترتیب، دانستن همه چیز در مورد مسیحیت کافی نیست. ممکن است آنقدر مطالعه کنید که به یک متخصص تبدیل شوید، کلیسا بروید، حتی وارد خدمت شوید، ولی با مسیح ارتباط نداشته باشید. نهایتاً مجبور خواهید شد قدم ایمانی برداشته با دریافت بخششی که او بر روی صلیب خریداری نمود و با سپردن زندگی و آینده خود به او، «سوار شوید». این یعنی مسیحی واقعی شدن.

### سرگذشت شخصی شما

روش نهایی برای ارائه پیام وجود دارد که لازم است ذکر کنم، و من یکی از بهترین‌ها را برای انتها نگاه داشته‌ام. این روش گزارش شخصی شماست از اینکه چگونه خداوند زندگیتان را عوض کرد. ما هنگام تشریح سبک شهادتی مختصراً به این روش اشاره کردیم، اما واقعیت این است که تمام ایمانداران داستانی برای گفتن دارند.

مردم از شنیدن سرگذشت دیگران لذت می‌برند. توصیف موجز و سنجیده‌ای از سفر ایمان شما می‌تواند تاثیر نیرومندی بر مخاطبین‌تان داشته باشد. به سختی می‌توان با آن بحث کرد. اگر زندگی شما نمایانگر شخصیت و اگرداری باشد که در قسمت دوم مورد بحث قرار دادیم، آنها را وادار می‌کند که بخواهند بدانند در پس پرده چه چیزی نهان است.

اینجا نمونه‌ای ارائه می‌دهیم که نشان می‌دهد چگونه می‌توانید داستان خود را بکار گیرید. فرض کنید در محل کار دوستی دارید به نام باربارا. اغلب با هم بیرون رفته و نسبتاً به هم نزدیکید. مرتباً برای او دعا می‌کنید.

در حین صحبت، متوجه می‌شوید باربارا خیال می‌کند مسیحی است، با اینکه بر اساس شیوه زندگیش مطمئن هستید در این مورد جدی نیست. بنابراین یک روز موقع نهار، حس می‌کنید روح‌القدس شما را ملزم کرده، و چنین می‌گویید: "می‌دانی، باربارا، در بیشتر طول عمرم، تصور می‌کردم به خاطر زمینه مذهبی مسیحی هستم. وقتی جوان بودم، تعمیم گرفته و تایید شدم، مرتباً کلیسا می‌رفتم، کمی هدایای مالی داده و اینجا و آنجا کمک می‌کردم." و بالاتر از همه سعی می‌کردم زندگی آبرومندانه و اخلاقی داشته باشم.

"اما می‌دانی، متوجه شدم که همه آن موارد تو را مسیحی نمی‌کند. این مانند رفتن به المپیک است. صرف حضور در آنجا سبب نمی‌شود قهرمان ورزشی شوی. اما چند سال قبل فهمیدم یک مسیحی واقعی کیست و خود یکی از آنها شدم. هر زمان خواستی در این مورد بیشتر بدانی، با کمال میل حاضرم توضیح دهم، چون این مهم‌ترین تصمیمی بود که در زندگی گرفتم."

حال، این داستان فقط یکی دو دقیقه طول می‌کشد. داستان شخصی و ساده بوده، هیچگونه تحمیل یا اتهامی را دربر ندارد. اکنون توپ در زمین باربارا است. اگر به شما بگوید علاقمند است، می‌توانید با گفتن بیشتر از تجربه خود و با استفاده از تعداد دیگری از تصویرسازی‌های انجیل که شرح دادم،

گفتگو را ادامه دهید. در غیر اینصورت، مهم نیست. شاید در ملاقات بعد آماده‌تر باشد. حداقل اینکه شما برای محاوره آینده بذرهایی کاشته‌اید.

سرگذشت شخصی ابزاری است که پولس رسول در کتاب اعمال رسولان سه بار مورد استفاده قرار داد. خود من به دفعات از آن استفاده کرده‌ام. و شما را نیز تشویق می‌کنم در مورد بهترین طریق نقل کردن داستان خود قدری بیندیشید. آنرا نوشته و بیان آنرا تمرین کنید، نه به منظور حفظ و بازگو کردن کلمه به کلمه آن، بلکه برای اینکه در رساندن نکات اساسی آن احساس راحتی کنید. آن را طولانی یا پیچیده نکنید. فقط نکات برجسته کنشهای خدا در زندگی خود را به طریقی ذکر کنید که برای دوستانتان قابل لمس باشد.

سپس آنرا برای دیگران تعریف نموده و تماشا کنید که خداوند چگونه از طریق آن عمل می‌کند.

## نکات مهم در گفتگو

در حالی که این فصل را به پایان می‌بریم، در اینجا به چند نکته عمومی مهم برای موثرتر نمودن شیوه ارائه شما، صرف نظر از اینکه چگونه آنرا طراحی کنید، اشاره می‌شود.

### سخنرانی نکنید

مردم می‌خواهند «با» شما صحبت کنند نه اینکه صرفاً «از» شما بشنوند. گاهی وقتی ما فرصتی به چنگ می‌آوریم تا از ایمان خود بگوییم، کمی هیجان‌زده شده و گفتگوی یک طرفه‌ای را در مورد تمامی آنچه گمان می‌کنیم نیاز به شنیدنش دارند آغاز می‌کنیم. اما حال که از آن خطر مطلع هستید، تمام هم و غم خود را بکار گیرید تا از آن پرهیزید.

بهترین راه برای اجتناب از قرار گرفتن در حالت سخنرانی پرسیدن سؤالات در ابتدا و سپس گوش دادن دقیق به پاسخ‌هاست. سپس وقتی نوبت حرف زدن شما رسید، شخص مقابل را زیر نظر بگیرید تا ببینید آیا حرف شما را دنبال می‌کند. اگر سر در گم بنظر آید، توقف کرده و پرسید آیا آنچه می‌گویید از نظر او منطقی است. نظر او را در مورد موضوع پرسید. به این طریق شما از فشار کاسته، برای شخص دیگر احترام قائل شده، از باورهایش آگاهی یافته و این حق را کسب می‌کنید که بیشتر افکار خود را ابراز نمایید.

### تدریجاً پیش روید

مشکل دیگری که با آن مواجه می‌شویم این است که یکباره اطلاعات بیش از حد ارائه می‌دهیم. شخصی می‌گفت: هنگامی که مسیحیان از ایمان خود می‌گویند دو مشکل دارند: آغاز کردن و متوقف شدن! خوب، فصل آخر ما در مورد شروع کردن بود و حال می‌خواهم تاکید کنم که گاهی بهترین کاری که می‌توانید انجام دهید توقف است.

وقتی کسی به ایمان شما علاقه نشان می‌دهد، این ضرورتاً به این معنا نیست که او تمام جزئیات را می‌خواهد. برای شروع هیچ کس طالب شنیدن قصه هزار و یک شب نیست. به مرور زمان، ممکن است کنجکاوی‌شان رشد کرده و علاقه آنها به مسائل روحانی توسعه یابد. اما تا این اتفاق رخ دهد، ما باید فقط به اندازه رفع تشنگی‌شان به آنها بدهیم، چه یک دقیقه طول بکشد و چه یک ساعت، و سپس عقب بکشیم. این به آنها نشان می‌دهد که وارد شدن به گفتگو با ما یا خارج شدن از آن راحت بوده و سبب می‌شود برای کسب اطلاعات بیشتر باز برگردند.

### شجاع باشید

نهایتاً اینکه، وقتی که ما برای فرصتها آماده شده و دعا کنیم، آن لحظه فرا خواهد رسید. حال می‌خواهم پیشگویی کنم: شما احتمالاً احساس آمادگی نمی‌کنید یا کاملاً برای وظیفه مهیا نیستید. من هم بندرت آماده‌ام.

این زمانی است که باید بر قدرت و حکمتی که روح‌القدس فراهم می‌کند تکیه کنید. با محبتی قلبی، نفسی عمیق کشیده، در چشمان شخص نگریسته و ببینید خدا شما را به کجا هدایت می‌کند. من ایمان دارم، از این جهت که از این شاخه با آن شاخه نمی‌پرید مورد احترام مردم قرار خواهید گرفت. آنها بدنبال چیزی می‌گردند که به نظر منطقی آید، و می‌خواهند آن را از کسی بشنوند که حقیقتاً به آنچه می‌گوید اعتقاد دارد.

این شخص ممکن است «شما» باشید.

«پس چگونه بخوانند کسی را که به او ایمان نیاورده‌اند؟ و چگونه ایمان آورند به کسی که خبر او را نشنیده‌اند؟ و چگونه بشنوند بدون واعظ؟» (رومان ۱۰: ۱۴)

از کتاب «چگونه به سراغ آنها برویم» به قلم مایکل گرین و الیستر مک گرت

هر از چند گاهی، از شما این سؤال پرسیده خواهد شد: "پس بطور کلی مسیحیت یعنی چه؟" و متوجه می شوید که سی ثانیه وقت دارید پاسخ دهید! داشتن پیش نویسی مختصر از انجیل در ذهن شما را قادر می سازد حتی در چنان زمان کوتاهی پاسخی مفید دهید.

خوب، چطور مطالب را فشرده می کنید تا از وقت به بهترین وجه ممکن استفاده نمایید؟ در اینجا تکنیکی را ارائه می دهیم که سالها پیش توسط BBC به من آموزش داده شد. من روش پایه را در زیر نشان خواهم داد. شما ممکن است بخواهید آنرا با یک دوست انجام دهید، که به شما کمک خواهد کرد اجرای خود را ارزیابی و برای بهتر شدن پیشنهادهای ارائه خواهد داد.

۱- پنج دقیقه به خود وقت دهید تا آنچه را فکر می کنید باید گفته شود بیان کنید. پاسخ خود را به این سؤال بنویسید «پس بطور کلی مسیحیت یعنی چه؟». هنگامی که پاسخ خود را پسندید، آنرا با صدای بلند خوانده و ببیند گفتن آن چقدر زمان می برد. تقلب نکنید: باید با سرعت معمول خود صحبت کنید.

۲- حال از خود بپرسید جواب شما تا چه حد موثر بود. بویژه سعی کنید مغز پاسخ خود یعنی موارد کاملاً ضروری، را شناسایی کنید. آیا برای گفتن آن واقعاً به پنج دقیقه وقت نیاز داشتید؟ یا آیا راههایی وجود دارد که ضمن حفظ آن مغز بتوانید زمان مورد نیاز را کوتاهتر کنید؟ برای فهمیدن لازم است جواب را فشرده کنید.

۳- به خود دو دقیقه وقت دهید. آیا می توانید ضمن کاستن از تعداد کلمات مورد نیاز محتوا را حفظ کنید؟ از کشف اینکه چقدر بسادگی می توان از شر کلمات زیادی خلاص شد حیرت خواهید کرد.

۴- حال به خود یک دقیقه زمان بدهید.

۵- و اکنون سی ثانیه.

آشکار است که در چنان زمان کوتاهی نخواهید توانست همه آنچه را مایلید بیان کنید. اما با استفاده موثر و فکورانه از منابع کتاب مقدس و تجربیات شخصی خود می توانید راه را برای بحث طولانی تر در آینده هموار سازید. با اینحال هشدار لازم است: اگر از منابع کتاب مقدسی استفاده می کنید باید از

بیرون آوردن کتاب مقدس از جیب و مراجعه به آن در ملاء عام خودداری کنید. این تأثیری بسیار منفی داشته و ممکن است باعث شود دوست‌تان نتیجه‌گیری کند شما چشم و گوش بسته کتاب مقدس را پذیرفته‌اید. باید آنقدر در مورد کتاب مقدس بدانید که قادر باشید مختصراً به مطالبی از آن اشاره کنید، بدون اینکه مجبور شوید متن باز شده را پیش روی خود داشته باشید.

## شکل بنشی به پاسخ

۱- با توجه به مطالعه‌ای که از کتاب مقدس داشتید، عناصر اساسی پیام انجیل کدامند؟

۲- طرق پیشنهاد شده در مقاله اول برای تصویرسازی انجیل را مجدداً مرور کنید. بکارگیری کدامیک از این تصویرسازی‌ها برای شما راحتتر است؟ مهمتر اینکه، کدامیک از آن تصویرسازی‌ها در تشریح شفاف انجیل برای دوستانتان مفیدتر است؟

۳- بر مبنای عناصر اساسی انجیل که در بالا فهرست شد، و تصویرسازی که از همه برای گفتگو با دوستان شما مناسبتر است، ارائه خود از انجیل را بنویسید. با استفاده از پیشنهادات داده شده در مقاله دوم، ارائه خود را زمان‌بندی کرده و سعی کنید آنرا به کمتر از یک دقیقه ویرایش کنید.

۴- پیام انجیل را در کمتر از یک دقیقه برای شخص دیگری (ترجیحاً دوستی غیرمسیحی) توضیح دهید.

## بحث موضوع

۱- بر اساس متون کتاب مقدس که مطالعه کردید، عناصر کلیدی پیام انجیل کدامند؟ کدامیک از این عناصر مهم بوده ولی برای آنکه شخص خبر خوش را درک کند حیاتی نیستند؟

۲- نظر شما در مورد چهار نکته انجیل به طریقی که توسط هایبلس و میتلبرگ توضیح داده شد چیست؟ آیا آنها تمام جنبه‌های ضروری انجیل را پوشش می‌دهند یا مورد مهمی از قلم افتاده است؟

۳- فکر می‌کنید کدام یک از تصویرسازی‌های پیشنهاد شده توسط هایبلس و میتلبرگ در فرهنگ و وضعیت شما از همه مناسبتر است؟ چرا؟

۴- زمانی را به در میان گذاشتن ارائه خود از انجیل با یکدیگر اختصاص دهید. نظرات مفید خود را به تک تک افراد گفته و آنها را تشویق کنید.

## گامهایی به جهت اطاعت

۱- بحثی که روی این مطلب داشتیم، فکر اصلی و باور اولیه‌ای را که در مورد این مطلب داشتید، چگونه عوض کرده است؟ افکار خود را در زیر خلاصه کنید.

۲- چگونه می‌خواهید این مطلب را به کار بندید(کی، چه کسی، کجا، و غیره)؟

۳- خود را متعهد کنید: در رابطه با موضوع اهداف ایمان برقرار، و آن را با گروه و یا سرگروه خود در میان گذارید.

**با کمک خدا، من:**

